

◇ فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ

سال هفتم. شماره ۲۷. بهار ۱۳۹۵

صفحات: ۳۶-۲۳

تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۱۱/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۶

## رابطه مهارت های اجتماعی و اعتقادات مذهبی با طلاق عاطفی در مراجعین زن به مراکز روان شناختی شهر اهواز

عادل فوجی \*

فرح نادری \*\*

### چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی رابطه بین مهارت های اجتماعی و اعتقادات مذهبی با طلاق عاطفی در مراجعین زن به مراکز روان شناختی شهر اهواز بود. حجم نمونه پژوهش ۲۱۶ نفر بود که به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شد. طرح تحقیق از نوع همبستگی بود. ابزارهای به کار رفته در این پژوهش، مقیاس طلاق عاطفی گاتمن (۱۹۹۵)، پرسشنامه مهارت های اجتماعی ماتسون (۱۹۸۳) و پرسشنامه جهت گیری مذهبی الپورت (۱۹۶۷) بود. برای تحلیل داده ها از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغییری استفاده شد. نتایج نشان داد که بین اعتقادات مذهبی درونی با طلاق عاطفی مراجعین زن رابطه منفی معنی داری وجود دارد و بین مهارت های اجتماعی و طلاق عاطفی مراجعین زن به رابطه وجود ندارد. همچنین بین اعتقادات مذهبی بیرونی با طلاق عاطفی مراجعین زن به رابطه مثبت معنی داری وجود دارد. همین نتایج تحلیل رگرسیون چند متغییره نشان داد که متغیرهای اعتقادات مذهبی درونی و مهارت های اجتماعی به ترتیب پیش بینی کننده طلاق عاطفی مراجعین زن به مراکز روانشناختی می باشند.

کلید واژگان: طلاق عاطفی، مهارت های اجتماعی، اعتقادات مذهبی.

\* گروه روانشناسی، علوم و تحقیقات خوزستان، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

۲ گروه روانشناسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

\*\* گروه روانشناسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران (نویسنده مسئول). nmafrah@yahoo.com

(NADERI@jauahvaz.ac.ir /

این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد آقای عادل فوجی می باشد.

## مقدمه

صاحب‌نظران معتقدند خانواده از نخستین نظام های نهادی عمومی و جهانی است که برای رفع نیازمندی های حیاتی و عاطفی انسان و بقای جامعه ضرورت تام دارد و از همه نهادهای اجتماعی، طبیعی تر است (شریفی، ۱۳۸۳) (روابط مناسب در جامعه بر اساس روابط مناسب در خانواده شکل می گیرد و هر اندازه روابط درون خانواده مناسب تر باشد، خانواده و به تبع آن جامعه از ثبات و استحکام بیشتری برخوردار است (اعزازی، ۱۳۸۷) با توجه به این که امروزه اکثر ازدواج ها با عشق، محبت و هیجان در ابتدای راه صورت می گیرد، اما متأسفانه در بسیاری از موارد مشاهده می شود که به مرور زمان علاقه اولیه بین زن و مرد، با تمام تلاشی که در جهت انجام دقیق وظایف خود دارند، کم رنگ و کم رنگ تر شده و گاهی به طور کامل محو می شود و زوجین بدون هیچ عاطفه و هیجانی نسبت به هم و در زیر یک سقف به زندگی خود ادامه می دهند. در این شرایط زن و مرد با هم غذا می خورند، کار می کنند، از فرزندان مراقبت می کنند، به مهمانی می روند و از مهمان ها پذیرایی می کنند، اما در اصل دو انسان بیگانه و بی تفاوت از نظر عاطفی نسبت به هم هستند و سر هر یک از آن ها به مسائل و امور زندگی خود گرم است (اشرفی، ۱۳۸۸). به این نوع جدایی عاطفی اصطلاحاتی مانند «طلاق عاطفی<sup>۱</sup>»، «طلاق روانی<sup>۲</sup>»، «طلاق هیجانی<sup>۳</sup>»، «طلاق خاموش<sup>۴</sup>» اطلاق می شود (فانتاین<sup>۶</sup>، ۲۰۰۸). بدون تردید، طلاق به عنوان یکی از دشوارترین پدیده های اجتماعی، از کان خانواده را که اصلی ترین و مهم ترین نهاد اجتماعی است را در معرض پیامدهای ناگواری قرار می دهد که مطمئناً بیشترین آثار مخرب آن متوجه کودکان خواهد شد که رهبران نسل های آینده ما هستند. در این میان طلاق عاطفی یا طلاق هیجانی، پدیده ای ثبت نشده و پنهان است. رسیدن به مرحله طلاق عاطفی نیز همچون طلاق رسمی آسیب های بسیار جدی برای خانواده به همراه دارد و در همین زمان است که بیشترین آسیب های اجتماعی، روحی و انحرافات اخلاقی از قبیل خیانت ها و ارتباطات خارج از حریم خانواده پیش می آید که متأسفانه امروزه این گونه انحرافات اخلاقی هم در مورد مردان و هم در مورد زنان متأهل رو به افزایش و قابل تأمل است. اگر طبق آمارها و گزارشات کارشناسان پذیرفته شود که میزان طلاق های عاطفی دو برابر طلاق های رسمی است، آن گاه به نگران کننده بودن این مسئله بیشتر پی برده می شود (اولیا و همکاران، ۱۳۸۸). (باس و شاکلفورد<sup>۷</sup>، ۲۰۰۵). چنین وضعی پیش از طلاق رسمی یک دوره فرسایش سرمایه عاطفی را سبب می شود که در نهایت به فقر عاطفی منجر شده و به شکل طلاق عاطفی خودنمایی می کند (شیوتا و لونسون<sup>۸</sup>، ۲۰۰۷).

۱. emotional separation

۲. emotional divorce

۳. mental divorce

۴. emotional divorce

۵. divorce off

۶. fantain

۷. buss . d . m . & shackelford . t . d

۸. shiota . n . & levenson . w

پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهند که دلیل اصلی جدایی زوجین در سال‌های اولیه زندگی، نبود مهارت‌های لازم ارتباطی است (جکسون و جو<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶). امروزه روند روبه‌رشد این معضل اجتماعی مشاهده می‌شود و خانواده که اصلی‌ترین نهاد اجتماعی است در معرض پیامدهای ناگوار پدیده طلاق قرار دارد. ارتباط میان فردی اساس و شالوده هویت و کمال انسان است و مبنای اولیه پیوند وی با دیگران را تشکیل می‌دهد. مهارت‌های اجتماعی را، توانایی در برقراری ارتباط با دیگران در یک زمینه اجتماعی به طریق خاصی که از نظر اجتماعی قابل قبول یا ارزشمند باشد، تعریف می‌کند. این توانایی از طریق کسب مجموعه رفتارهای که بر روی پاسخ‌های افراد دیگر تأثیر می‌گذارد حاصل می‌شود به این صورت که این افراد باید به راه‌هایی که به نتایج مطلوب می‌انجامد توجه کنند و از نتایج نامطلوب دور گزینند (هارجی<sup>۲</sup> و دیگران ۱۹۹۴، ترجمه فیروزبخت و بیگی ۱۳۹۰). مهارت‌های مؤثر، موجب شکوفایی افراد و بهبود کیفیت روابط می‌شود. این در حالی است که مهارت‌های اجتماعی<sup>۳</sup> غیر مؤثر جلوی شکوفایی انسان را می‌گیرد و برای روابط، حکم سم را دارد و حتی روابط را تخریب می‌کند. بزرگترین چالش بشری، توسعه روابط معنی‌دار و رضایت‌بخش است و هسته هر گونه روابط موفق، آمیزه درستی از احساسات، منطق و استدلال است. (آوستین<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۰۵). واژه شایستگی اجتماعی معمولاً با مهارت اجتماعی مترادف بوده و به جای آن بکار رفته است. هاپس (۱۹۷۲، ترجمه بشریه، ۱۳۹۳) تمایز بین این دو مفهوم را روشن کرده است: شایستگی واژه‌ای خلاصه شده است که داوری درباره کیفیت کلی عملکرد شخص را در مهارت‌های خاص و قابل تشخیص تشکیل می‌دهد. کیفیت روابط درون خانواده، نقش بسزایی در شکل‌گیری نگرش‌ها و بازخوردهای اجتماعی، آمادگی و توسعه مهارت‌های اجتماعی اعضای خانواده دارد، و پایه و اساس روابط درون خانواده بر محور رابطه زن و شوهر استوار است (افروز، ۱۳۸۹). از سوی دیگر بر خورداری از مهارت‌های اجتماعی و ارتباطات ثمربخش برای داشتن عملکردی موفق در زندگی ضروری است. (استورت، وست و کاپلان<sup>۵</sup>، ۲۰۰۷، به نقل از یگانه، طیبیه، ۱۳۹۳) انسان در زندگی اجتماعی و زناشویی خود درگیر مسایل بسیاری است که برای از بین بردن یا کاهش آنها ابزارهای مختلفی را به کار می‌برد، از جمله راه‌کارهایی که از دوران گذشته برای انسان مطرح بوده پناه بردن به قدرت الهی است (نچار اصل، ۱۳۸۹). باورهای مذهبی<sup>۶</sup> به میزان زیادی بر الگوهای رفتار زوجین مؤثر است. لاجرم اهمیت دادن به اعتقادات و باورهای مذهبی یکی از اساسی‌ترین معیارهای انتخاب همسر است، که این معیار به نوبه خود بی‌شک در ادامه ثبات زندگی زناشویی بی‌تأثیر نخواهد بود. افرادی که در اعتقادات دینی خود صادق‌اند عشق و توجه زیادی به افراد نیازمندان نشان می‌دهند. در حالیکه افرادی که در

۱. jackson . t. & guo . x . g

۲. Harji

۳. social skills

۴. avesten

۵. sturt, west & kaplan

۶. religious

ظاهر دین دارند این علاقه مندی و توجه را نشان نمی دهند. روانشناسان سعی دارند فرضیه های از این قبیل را مورد آزمایش قرار دهند (سعیدی مهر و دیوانی، ۱۳۸۵). پژوهشگران بر این باورند که وجود عقاید مذهبی تأثیر بسزایی در استحکام خانواده دارد. ایمان به خدا موجب می شود که نگرش فرد به کل هستی هدف دار باشد. عدم ایمان به خدا موجب می شود که فرد انسجام و آرامش نداشته باشد و همین امر موجب ضعف و منشأ اختلاف های بسیاری در زندگی خانوادگی می شود (حسینی، ۱۳۸۹). یزدانی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهش خود با عنوان «بررسی کیفیت زندگی زنان دچار طلاق عاطفی» نشان می دهد: بین طلاق عاطفی و شش بعد کیفیت زندگی زنان (احساس فردی، روابط خانوادگی، روابط اجتماعی، کیفیت سلامت، رضایت از شرایط محیطی و رضایت از شرایط اقتصادی) رابطه معناداری وجود دارد. ستار پروین و همکاران (۱۳۹۱) از یافته های پژوهش خود تحت عنوان «عوامل جامعه شناختی مؤثر در طلاق عاطفی» استنباط نمودند که هر گاه تعادل ساختار خانواده تحت تأثیر شرایط درونی و بیرونی بر هم می خورد، کارکردهای قوام دهنده تأثیر گذار آن مانند سرمایه اجتماعی درون خانواده، نظم درون خانواده، ساختار قدرت و... با چالش مواجه می شود که می تواند زمینه ساز طلاق عاطفی باشد. نتایج مطالعه هنریان و یونسی (۱۳۹۰) نشان می دهد که عوامل تأثیر گذار در طلاق (و طلاق عاطفی) شامل موضوعاتی مانند عدم مهارت ارتباطی، بیماری روحی، عدم بلوغ فکری و اعتیاد است (هنریان و یونسی، ۱۳۹۰). (عطاری و همکاران، ۱۳۸۵) نیز از پژوهش خود نتیجه گرفتند که در کلیه متغیرهای مهارت های اجتماعی (بیانگری هیجانی، حساسیت هیجانی، کنترل هیجانی، بیانگری اجتماعی، حساسیت اجتماعی و کنترل اجتماعی) میانگین زوج های عادی بیشتر از زوج های متقاضی طلاق است. بدیهی است که بیشتر بودن نمره های زوج های عادی نسبت به زوج های متقاضی طلاق بیانگر این است که زوج های عادی از مهارت اجتماعی بیشتری برخوردارند. رضایت ارتباطی خودشان و همسرشان دارند. فقیرپور (۱۳۸۱) با اجرای پژوهش آزمایشی رابطه معنی دار مهارت های ارتباطی با سازگاری زناشویی و رابطه معنی دار مهارت های حل مسأله با سازگاری زناشویی را تأیید کرد. رضازاده (۱۳۸۱) با اجرای پژوهش خود بر روی دانشجویان متأهل نشان داد که بین مهارت های ارتباطی قوی زوجین دانشجویی و همسازی زناشویی آنها رابطه وجود دارد. ریجیو (۱۹۸۹) با اجرای پرسشنامه مهارت های اجتماعی روی زوج های متأهل که از ازدواج آنها ۵۰ سال یا بیشتر گذشته بود و نیز روی زوج های متأهلی که ازدواج کوتاه مدت داشتند نشان داد که نمره ها در ۶ مقیاس مهارت های اجتماعی با متغیرهای کیفیت ازدواج و رضایت زوجین از رابطه همبستگی دارند. برلسن و دنتن<sup>۱</sup> (۱۹۹۲) با تأکید بر نقش مهارت های اجتماعی در حفظ رابطه و جاذبه میان فردی با ارائه مدلی تحت عنوان «شبهات ها در مهارت های اجتماعی و شناختی - اجتماعی»<sup>۲</sup> پیش بینی می کنند که این شبهات ها با تقویت تعامل های لذت بخش جاذبه را افزایش می دهند. فلورا و سگرین (۱۹۹۹) در پژوهش خود نشان دادند که مهارت های اجتماعی افراد عموماً رابطه مثبتی با رضایت ارتباطی خودشان و همسرشان دارند. ربانی و

۱. burlson & denton

۲. similarities in social - cognitive and communication skills

بهشتی (۱۳۹۰) در بررسی تجربی رابطه دینداری و رضایت از زندگی با نمونه ای ۲۶۶۷ نفری، نشان دادند که دینداری ضریب استاندارد اثری معادل ۰/۱۴ بر متغیر وابسته رضایت از زندگی دارد. جعفری، حاجلو و محمدزاده (۱۳۹۳) دریافتند بین عمل به باورهای دینی با سلامت عمومی و شیوه های مقابله همبستگی مثبت ثو معناداری وجود دارد، نریمانی، ایل بیگی قلعه نی و رستمی (۱۳۹۳) در نتایج پژوهش خود نشان دادند که نگرش مذهبی با رضایت از زندگی رابطه مثبت معنادار دارد. کلارک و لاکر<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) با هدف بررسی تاثیر مذهب بر رضایت از زندگی پژوهشی انجام داده و نشان دادند که به هر میزان فضای حاکم بر زندگی مذهبی تر باشد، رضایت از زندگی بیشتر خواهد بود. چایون و پانتام<sup>۲</sup> (۲۰۱۰) دلیل رضایت بالاتر از زندگی در افراد مذهبی را به واسطه حمایت اجتماعی و بهره مندی از آثار مثبت باورهای مذهبی در زندگی این افراد، ذکر کرده اند. یوسف، ینگ، لین، تن چین، لوک و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۱) باورهای مذهبی را یکی از بهترین راهکارهای سازگاری با فشارهای زهای روانی ذکر کرده اند، هافتی<sup>۴</sup> (۲۰۱۱) خاطر نشان کرده است که ۷۰ تا ۸۰ درصد مردم، در مقابله با مشکلات و ناکامی های زندگی روزانه خود، از باورهای مذهبی و معنوی کمک می گیرند. کوئینگ<sup>۵</sup> (۲۰۰۷) در تحقیقی نشان داده است که سلامت روانی و جسمی انسان با زندگی معنوی او رابطه مثبت دارد. افرادی که اعتقادات مذهبی قویتری دارند، سازگاری بهتری با موقعیت های استرس دارند. میزان پایین تری از هیجانات منفی را تجربه می کنند و از حمایت اجتماعی بالاتری برخوردارند. فرگوسن<sup>۶</sup> (۲۰۰۱) در مطالعات و پژوهش های خود چنین می گوید: تجربه و آموزه های مذهبی اغلب باعث جابجایی و تغییر در اعتقادات و باورهای مذهبی در فرد می شود. این جابجایی در جهت دور شدن از مادی گری و به سمت یآوری و نوع دوستی متمایل می شود. با توجه به اینکه به موضوع طلاق عاطفی در محافل و تحقیقات علمی - به ویژه داخلی - کمتر توجه شده است، هر چند در ارتباط با مفاهیم نزدیک به این مفهوم مانند کیفیت زناشویی، تعارض زناشویی و... به ویژه در حوزه روانشناسی - مطالعات زیادی انجام شده است. و با توجه به این که جامعه ایران، جامعه ای مذهبی شناخته می شود و پرداختن به اثر مذهب و جهت گیری مذهبی در روابط خانوادگی ضروری به نظر می رسد و با عنایت به ضرورت استفاده موثر از مهارت های اجتماعی برای داشتن عملکردی موفق در زندگی، مطالعه حاضر تلاش می کند تا «رابطه مهارت های اجتماعی و اعتقادات مذهبی با طلاق عاطفی در مراجعین به مراکز روان شناختی شهر اهواز» را بررسی کند.

۱. clark & lalkes

۲. chaeyoon & putnam

۳. yosef, yen, ling, tan chin, loke, lim & ahmad

۴. hefti

۵. koenig

۶. ferguson

## روش

### روش پژوهش، جامعه آماری و نمونه

این پژوهش از نوع همبستگی می باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه زنان مراجعه کننده به مراکز روانشناختی شهر اهواز که در سال ۱۳۹۴ مورد بررسی قرار گرفتند. نمونه این تحقیق مشتمل بر ۲۱۶ نفر از جامعه مذکور بود که به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. بدین ترتیب که از بین مراکز روانشناختی که اعلام همکاری نمودند، آزمودنی ها انتخاب شدند؛ سه مرکز بعد از موافقت، اعلام نمودند که تقریباً هر روز بین ۳ الی ۴ زوج برای حل مشکلات مراجعه می کنند و در طی ۳ ماه (خرداد الی مرداد ۱۳۹۴) اجرای پژوهش، پرسشنامه ها بین ۲۱۶ زن مراجعه کننده توزیع و تکمیل گردید.

### ابزار سنجش

پرسشنامه طلاق عاطفی گاتمن (۱۹۹۵): برای اندازه گیری طلاق عاطفی از پرسشنامه ساخته شده توسط گاتمن (۱۹۹۵) استفاده شد. این پرسش نامه شامل ۲۴ ماده می باشد که با جواب بله (۱) و خیر (۰) نمره گذاری شده است، به آنها پاسخ داده می شود. بعد از جمع کردن پاسخهای بله، اگر نمره آزمودنی برابر هشت (۸) و بالاتر بود زندگی زناشویی در معرض طلاق عاطفی تشخیص داده می شود. برای سنجش اعتبار این آزمون در ایران، این نسخه توسط دارایی ترجمه شد. مامی و عسگری (۱۳۹۳) در پژوهشی جهت تعیین روایی ظاهری و محتوایی پرسشنامه، نخست آن را به تأیید اساتید خبره رساندند، سپس برای بدست آوردن پایایی از آلفای کرونباخ استفاده کردند که ضریب پایایی پرسشنامه بالاتر از ۰/۷۰ بدست آمد. در تحقیق حاضر برای تعیین پایایی پرسشنامه طلاق عاطفی از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که برای کل پرسشنامه برابر با ۰/۷۰، که بیانگر ضرایب پایایی قابل قبول پرسشنامه یاد شده می باشد.

مقیاس مهارت های اجتماعی ماتسون (۱۹۸۳): برای سنجش مهارت های اجتماعی از مقیاس سنجش مهارت های اجتماعی که توسط ماتسون<sup>۲</sup> و همکاران که در سال ۱۹۸۳ ساخته شد. فرم اولیه این مقیاس دارای ۶۲ عبارت بود که توسط یوسفی و خیر (۱۳۸۱) تحلیل عاملی شده به ۵۶ عبارت کاهش یافت، که مهارت های اجتماعی افراد را توصیف می کنند. برای پاسخ گویی به آن آزمودنی باید هر عبارت را بخواند و سپس پاسخ خود را بر اساس یک شاخص ۵ درجه ای از نوع لیکرت با دامنه ای از نمره ۱ هرگز / هیچوقت تا ۵ همیشه مشخص نماید. این مقیاس نیز یک نمره کلی، که بیانگر مهارت اجتماعی آزمودنی است بدست می دهد. ماتسون و همکاران، به نقل از یوسفی و خیر، (۱۳۸۰). تحقیقات نشان داده اند که مقیاس مهارت های اجتماعی ماتسون از روان سنجی، پایایی بالایی باز آزمایی و ۱۹۹۰، به، اعتبار افتراقی قابل قبولی برخوردار است. (ماتسون والندایک، ۱۹۸۸، ماتسون و همکاران،

۱. gotman

۲. matson

۱۹۸۳ نقل از یوسفی و خیر، ۱۳۸۱). ماتسون و همکاران برای بررسی پایایی مقیاس مقیاس مهارت های اجتماعی از ضریب آلفای کرونباخ و تصنیف استفاده کردند. مقدار ضریب آلفای کرونباخ و تصنیف بدست آمده برای کل مقیاس یکسان و برابر ۰/۸۶ بوده است. در تحقیق حاضر برای تعیین پایایی پرسشنامه مهارت های اجتماعی از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که برای کل پرسشنامه برابر با ۰/۹۲، که بیانگر ضرایب پایایی مطلوب پرسشنامه یاد شده می باشد.

مقیاس جهت گیری مذهبی آلپورت (۱۹۶۷): برای اندازه گیری جهت گیری مذهبی در این پژوهش از پرسشنامه جهت گیری مذهبی آلپورت<sup>۱</sup> (۱۹۶۷) استفاده شد. آلپورت برای اندازه گیری جهت گیری های مذهبی یک مقیاس ۲۰ گزینه ای ساخت که ۱۱ گزینه آن به جهت گیری برونی و ۹ گزینه آن به جهت گیری درونی اشاره می کند بعد از آن روانشناسی به نام فگین<sup>۲</sup> یک نسخه ۲۱ گزینه ای از مقیاس E<sup>۳</sup> (برونی) و I<sup>۴</sup> (درونی) از روی مقیاس های آلپورت ساخت. برای سنجش روایی این آزمون در ایران، این نسخه ترجمه شد و سپس توسط متخصصان مختلف بازنویسی های متعدد بر روی آن انجام گرفت تا متناسب با بافت فرهنگی و مذهبی ایران باشد. گزینه های این آزمون بر حسب مقیاس لیریک تنظیم گردیده است. در این پرسشنامه سوالات ۱ تا ۱۲ جهت گیری مذهبی برونی و سوالات ۱۳ تا ۲۱ جهت گیری درونی را می سنجند. در پژوهش یرفی (۱۳۸۰) پایایی این مقیاس به روش آلفای معادل ۰/۷۱۹ بدست آمد. در پژوهش بازگیر (۱۳۸۲) نیز پایایی این مقیاس به روش آلفای کرونباخ و تصنیف که بر روی ۱۰۰ نفر از بیماران بیمارستان سوانح سوختگی اهواز انجام گردید، به ترتیب ۰/۶۵ و ۰/۵۶ بدست آمد.

این آزمون در سال ۱۳۷۷ در ایران ترجمه و هنجاریابی شده که اعتبار و روایی آن توسط جان بزرگی (۱۳۷۷) بدست آمده است. همسانی درونی آن با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۱. و پایایی باز آزمایی آن ۰/۷۴ است. در تحقیق حاضر برای تعیین پایایی پرسشنامه اعتقادات مذهبی نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که برای پرسشنامه اعتقادات مذهبی درونی برابر با ۰/۷۰ و برای اعتقادات مذهبی بیرونی نیز برابر با ۰/۷۳ که بیانگر ضریب پایایی قابل قبول پرسشنامه یاد شده می باشد.

۱. allport  
۲. fegin  
۳. external  
۴. internal

## یافته ها

**جدول ۱: میانگین، انحراف معیار نمره متغیرهای مهارت های اجتماعی، اعتقادات مذهبی (درونی و بیرونی) و طلاق عاطفی در زنان مراجعه کننده به مراکز روانشناختی**

| متغیر                 | میانگین | انحراف معیار | تعداد |
|-----------------------|---------|--------------|-------|
| مهارت های اجتماعی     | ۲۰۵/۹۷  | ۲۵/۶۲        | ۲۱۶   |
| اعتقادات مذهبی درونی  | ۲۶/۵۹   | ۱/۸۱         | ۲۱۶   |
| اعتقادات مذهبی بیرونی | ۲۸/۹۴   | ۵/۵۶         | ۲۱۶   |
| طلاق عاطفی            | ۱۶/۳۶   | ۴/۳۸         | ۲۱۶   |

همان طوری که در جدول ۱ مشاهده می شود میانگین و انحراف معیار، به ترتیب برای مراجعین زن در متغیر مهارت های اجتماعی، ۲۰۵/۹۷ و ۲۵/۶۲، در متغیر اعتقادات مذهبی درونی، ۲۶/۵۹ و ۱/۸۱، در متغیر اعتقادات مذهبی بیرونی، ۲۸/۹۴ و ۵/۵۶ و در متغیر طلاق عاطفی، ۱۶/۳۶ و ۴/۳۸ می باشد. فرضیه اول: بین مهارت های اجتماعی با طلاق عاطفی رابطه وجود دارد. فرضیه دوم: بین اعتقادات مذهبی درونی با طلاق عاطفی رابطه وجود دارد. فرضیه سوم: بین اعتقادات مذهبی بیرونی با طلاق عاطفی رابطه وجود دارد.

**جدول ۲: ضریب همبستگی ساده بین متغیرهای پیش بین با متغیر ملاک طلاق عاطفی**

| متغیر ملاک | متغیرهای پیش بین      | ضریب همبستگی | سطح معناداری |
|------------|-----------------------|--------------|--------------|
| طلاق عاطفی | مهارت های اجتماعی     | -۰/۰۴        | ۰/۳۳۸        |
|            | اعتقادات مذهبی درونی  | -۰/۴۰        | ۰/۰۰۰۱       |
|            | اعتقادات مذهبی بیرونی | ۰/۱۶         | ۰/۰۰۱        |

همان طوری که در جدول ۲ مشاهده می شود، بین مهارت های اجتماعی و طلاق عاطفی مراجعین زن به رابطه منفی معنی داری وجود ندارد ( $p=۰/۳۳۸$  و  $r=-۰/۰۴$ ). بنابراین فرضیه اول تأیید نمی گردد.

بین اعتقادات مذهبی درونی و طلاق عاطفی مراجعین زن به مراکز روانشناختی رابطه منفی معنی داری مشاهده می شود ( $p=۰/۰۰۰۱$  و  $r=-۰/۴۰$ ). بنابراین فرضیه دوم تأیید می گردد. به عبارت دیگر، هر چه اعتقادات مذهبی درونی مراجعین زن به مراکز روانشناختی افزایش می یابد به همان اندازه طلاق عاطفی آنان کاهش پیدا می کند.

بین اعتقادات مذهبی بیرونی با طلاق عاطفی مراجعین زن به مراکز روانشناختی رابطه مثبت معنی داری مشاهده می شود ( $p=۰/۰۰۱$  و  $r=۰/۱۶$ ). بنابراین فرضیه سوم تأیید می گردد. به عبارت دیگر، افزایش اعتقادات مذهبی بیرونی مراجعین زن به مراکز روانشناختی با افزایش طلاق عاطفی آنان همراه شده است.

فرضیه چهارم: بین مهارت های اجتماعی و اعتقادات مذهبی (درونی، بیرونی) با طلاق عاطفی رابطه چند گانه وجود دارد.

**جدول ۳: ضرایب همبستگی چندگانه متغیرهای پیش بین (مهارت های اجتماعی و اعتقادات مذهبی «درونی و بیرونی») با طلاق عاطفی زنان با روش ورود همزمان و مرحله ای**

| رتبه       | متغیر ملاک | متغیرهای پیش بین        | R    | R <sup>2</sup> | F     | p=     | $\beta$ | t      | p=     |
|------------|------------|-------------------------|------|----------------|-------|--------|---------|--------|--------|
| «ورود»     |            | مهارت های اجتماعی       | ۰/۶۲ | ۰/۳۹           | ۴۵/۲۱ | ۰/۰۰۰۱ | ۰/۲۸    | ۵/۸۸   | ۰/۰۰۰۱ |
|            |            | اعتقادات مذهبی درونی    |      |                |       |        | -۰/۳۴   | -۶/۹۴  | ۰/۰۰۰۱ |
|            |            | اعتقادات مذهبی بیرونی   |      |                |       |        | ۰/۰۵    | ۱/۳۱   | ۰/۱۸۹  |
| «مرحله ای» | طلاق عاطفی | ۱- اعتقادات مذهبی درونی | ۰/۵۲ | ۰/۲۸           | ۸۲/۴۷ | ۰/۰۰۰۱ | -۰/۳۸   | -۸/۲۶  | ۰/۰۰۰۱ |
|            |            |                         |      |                |       | -۰/۲۳  | -۵/۱۲   | ۰/۰۰۰۱ |        |
|            |            |                         |      |                |       | -۰/۳۸  | -۷/۶۷   | ۰/۰۰۰۱ |        |
|            |            |                         |      |                |       | -۰/۳۵  | -۷/۶۶   | ۰/۰۰۰۱ |        |
|            |            | ۲- مهارت های اجتماعی    | ۰/۶۲ | ۰/۳۸           | ۵۳/۸۲ | ۰/۰۰۰۱ | ۰/۱۳    | ۳/۰۴   | ۰/۰۰۰۲ |
|            |            |                         |      |                |       | ۰/۲۸   | ۵/۸۵    | ۰/۰۰۰۱ |        |
|            |            |                         |      |                |       | ۰/۲۷   | ۵/۷۳    | ۰/۰۰۰۱ |        |

همان طوری که در جدول ۳ ارائه شده است، رگرسیون پیش بینی طلاق عاطفی زنان مراجعه کننده به مراکز روانشناختی از روی متغیرهای مهارت های اجتماعی و اعتقادات مذهبی درونی و بیرونی معنی دار می باشد ( $p < ۰/۰۰۰۱$  و  $F = ۴۵/۲۱$ ). بنابراین فرضیه چهارم تأیید می گردد. متغیر اعتقادات مذهبی درونی با ضریب بتای  $۰/۳۴$  می تواند به طور منفی و معنی داری طلاق عاطفی مراجعین زن به مراکز روانشناختی را پیش بینی کند. متغیر مهارت های اجتماعی با ضریب بتای  $۰/۲۸$  می تواند به طور مثبت و معنی داری طلاق عاطفی مراجعین زن به مراکز روانشناختی را پیش بینی کنند. همچنین، مقدار  $R^2$  نشان می دهد  $۳۹\%$  از واریانس طلاق عاطفی مراجعین زن به مراکز روانشناختی توسط متغیرهای یاد شده تبیین می شود. نتایج تحلیل رگرسیون مرحله ای نیز نشان داده است که متغیرهای اعتقادات مذهبی درونی و مهارت های اجتماعی به ترتیب پیش بینی کننده طلاق عاطفی مراجعین زن به مراکز روانشناختی می باشند.

**نتیجه گیری**

همان طوری که در جدول ۲ مشاهده می شود بین مهارت های اجتماعی و طلاق عاطفی مراجعین به مراکز روانشناختی رابطه وجود ندارد ( $p = ۰/۳۳۸$  و  $r = -۰/۰۴$ ). بنابراین فرضیه اول تأیید نمی گردد. نتایج حاصل از فرضیه اول با یافته های قبلی از جمله هاپس (۱۹۷۲)، هارچی و دیگران (۱۹۹۴)، (آوستین و همکاران، ۲۰۰۵)، فلورا و سگرین (۱۹۹۹)، برلسن و دنتن (۱۹۹۲) و

ریجیو (۱۹۸۹) همخوانی دارد.

در تبیین عدم تایید فرضیه اول می توان گزارش نمود که مهارت های اجتماعی در ایجاد و حفظ روابط میان فردی و تقویت تعامل های لذت بخش اثری انکار ناپذیر دارد. ولی مهارت های اجتماعی از طرفی می تواند روابط مشترک زوجین را تحت تاثیر قرار دهد و اثر معکوس و مخربی بر آن داشته باشد. مهارت های مؤثر، موجب شکوفایی افراد و بهبود کیفیت روابط می شود. این در حالی است که مهارت های اجتماعی غیر مؤثر جلوی شکوفایی انسان را می گیرد و برای روابط، حکم سم را دارد و حتی روابط را تخریب می کند. کومبوز (۱۹۱۵) مهارت های اجتماعی را، توانایی در برقراری ارتباط با دیگران در یک زمینه اجتماعی به طریق خاصی که از نظر اجتماعی قابل قبول یا ارزشمند باشد، تعریف می کند. این توانایی از طریق کسب مجموعه رفتارهای که بر روی پاسخ های افراد دیگر تأثیر می گذارد حاصل می شود به این صورت که این افراد باید به راه هایی که به نتایج مطلوب می انجامد توجه کنند و از نتایج نامطلوب دور گزینند (هارجی و دیگران ۱۹۹۴).

مهارت های اجتماعی به خودی خود منجر به ثبات در زندگی زناشویی نمی شود. چه بسا کسی دارای مهارت های اجتماعی باشد ولی در دیگر پیش بین های مؤثر در طلاق عاطفی دچار مشکل باشد. هر یک از متغیر های پیش بین طلاق عاطفی به سهم خود می تواند به شکست عاطفی زوجین در زندگی زناشویی کمک کند و برخورداری صرف از مهارت های اجتماعی نمی تواند تضمین کننده موفقیت در زندگی مشترک و ثبات در ازدواج باشد.

ناهمخوانی زوج ها در برخورداری از مهارت های اجتماعی نیز می تواند دلیل دیگری جهت تبیین رد فرضیه کلی رابطه مهارت های اجتماعی با طلاق عاطفی باشد. برلسن و دنتن (۱۹۹۲) با تأکید بر نقش مهارت های اجتماعی در حفظ رابطه و جاذبه میان فردی با ارائه مدلی تحت عنوان « شباهت ها در مهارت های اجتماعی و شناختی - اجتماعی » پیش بینی می کنند که این شباهت ها با تقویت تعامل های لذت بخش جاذبه را افزایش می دهند و بلعکس عدم همخوانی زوج ها می تواند آسیبی برای استحکام تعامل های لذت بخش باشد.

واژه شایستگی اجتماعی معمولاً با مهارت اجتماعی مترادف بوده و به جای آن بکار رفته است. هاپس (۱۹۷۲) تمایز بین این دو مفهوم را روشن کرده است: شایستگی واژه ای خلاصه شده است که داوری درباره کیفیت کلی عملکرد شخص را در مهارت های خاص و قابل تشخیص تشکیل می دهد. مهارت های اجتماعی یکی از عناصر اساسی اجتماعی شدن آدمی در کلیه فرهنگ ها بوده است و صرف برخورداری از این مهارت ها تضمین کننده شایستگی اجتماعی نیست. مهارت های اجتماعی به طور معمول آموخته می شوند و ماهیت تعاملی دارند و به زمان بندی مناسب و تأثیر متقابل برخی از رفتارها احتیاج دارند. همچنین تحت تأثیر عوامل محیطی همچون سن، جنسیت و پایگاه اجتماعی طرف مقابل می باشند. (هاپس، ۱۹۷۲، ترجمه بشریه، ۱۳۹۳).

از سوی دیگر، ممکن است کسی عناصر اصلی مهارت اجتماعی را فرا گرفته باشد اما از

فرآیندهای فکری لازم برای استفاده از این عناصر در تعاملات خود بی‌بهره باشد، که این نیز می‌تواند دلیل دیگری جهت تبیین رد فرضیه کلی رابطه مهارت‌های اجتماعی با طلاق عاطفی باشد. یکی از جنبه‌های مهم کنترل، زمان‌بندی رفتارهای اجتماعی یا به عبارتی متناسب بودن آن‌ها با موقعیت موجود است. مثلاً اگر خواسته شود که بر توان تقویتی تشویق‌های کلامی افزوده شود، باید از آن‌ها بلافاصله پس از اظهار نظرهای طرف مقابل استفاده نمود. به عقیده هارجی یکی از نشانه‌ای بی‌کفایتی اجتماعی، بیان بی‌موقع مطالب است (هارجی، ۱۹۹۴).

آخرین بخش تبیین رد فرضیه مهارت‌های اجتماعی گویای این است که افراد بر این مهارت‌ها کنترل شناختی دارند. افرادی که اشتغال ذهنی آن‌ها این است که بر دیگران تأثیر مطلوبی بگذارند ولی به توانایی خود در این مورد تردید دارند؛ از این رو همیشه در رابطه با دیگران نقش منفعل و مطیع دارند و در روابط بین فردی خود دچار مشکل می‌شوند. آن‌ها به روش‌های زیر به خودشان صدمه می‌زنند: ۱- به افکار منفی و خود تردیدی‌ها اجازه می‌دهند تا حواس‌شان را از پاسخ‌دهی به تعاملات منحرف سازند. ۲- از خود گویی‌های مثبت استفاده مؤثر و مفید نمی‌کنند. ۳- رفتارهای غیر کلامی شان بین آن و دیگران فاصله می‌اندازد. ۴- درباره نقاط ضعف خود اغراق می‌کنند و به نقاط قوت خود کم‌بها می‌دهند. ۵- به علت این که از مهارت‌های اجتماعی مناسب استفاده نمی‌کنند، در تعاملات اجتماعی، مضطرب، دست و پا چلفتی و بازداری شده به نظر می‌رسند. (کلینکه<sup>۱</sup>، ۱۹۹۲، ترجمه محمد خانی، ۱۳۸۱).

همان‌طوری که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود بین اعتقادات مذهبی درونی و طلاق عاطفی مراجعین به مراکز روانشناختی رابطه منفی معنی‌داری مشاهده می‌شود ( $I = -0/39$  و  $p = 0/0001$ ). بنابراین فرضیه دوم تأیید می‌گردد. به عبارت دیگر، هر چه اعتقادات مذهبی درونی مراجعین به مراکز روانشناختی افزایش می‌یابد به همان اندازه طلاق عاطفی آنان کاهش پیدا می‌کند. همچنین اعتقادات مذهبی بیرونی با طلاق عاطفی مراجعین به مراکز روانشناختی رابطه مثبت معنی‌داری مشاهده می‌شود ( $I = 0/16$  و  $p = 0/0001$ ). بنابراین فرضیه سوم تأیید می‌گردد. به عبارت دیگر، افزایش اعتقادات مذهبی بیرونی مراجعین به مراکز روانشناختی با افزایش طلاق عاطفی آنان همراه شده است. نتایج حاصل از فرضیه دوم و سوم با یافته‌های برخی از تحقیقات: نریمانی، ایل بیگی قلعه‌نی و رستمی (۱۳۹۳)، حاجلو و محمدزاده (۱۳۹۳)، نجار اصل (۱۳۸۹)، (حسینی، ۱۳۸۹)، دبیری نژاد (۱۳۸۷)، سعیدی مهر و دیوانی، (۱۳۸۵)، هافتی (۲۰۱۱)، یوسف، ینگ، لین، تن‌چین، لوک و همکاران (۲۰۱۱)، چایون و پانتام (۲۰۱۰)، کلارک و لاکز (۲۰۰۹)، کوئینگ (۲۰۰۷)، بالتر (۲۰۰۲)، فرگوسن (۲۰۰۱) و برگین و جنسن (۱۹۹۱) همخوانی دارد.

در تبیین فرضیه‌های دوم و سوم می‌توان گزارش نمود که وجود عقاید مذهبی تأثیر بسزایی در استحکام خانواده دارد. ایمان به خدا موجب می‌شود که نگرش فرد به کل هستی هدف‌دار باشد. عدم ایمان به خدا موجب می‌شود که فرد انسجام و آرامش نداشته باشد و همین امر موجب ضعف

۱. klinke

و منشأ اختلاف های بسیاری در زندگی خانوادگی می شود (حسینی، ۱۳۸۹). افرادی که دارای مذهب درونی هستند بهداشت روانی مثبت تری دارند این افراد سلامت روان بالاتری دارند و افراد دارای مذهب بیرونی پیامد های منفی را تجربه می کنند (دوناهو، ۱۹۸۵). فرگوسن (۲۰۰۱) در مطالعات و پژوهش های خود چنین اعتقادات و باور های مذهبی افراد موجب دور شدن از مادی گری و به سمت یابوری و نوع دوستی متمایل می شود. بالتر (۲۰۰۲) افرادی که اعتقادات مذهبی قویتری دارند، از دیگران خود باورتر، کارآمدتر و سازش یافته تر بوده، هیجانات مثبت دارند، انعطاف پذیر هستند و دوستان متعهدی دارند. کوئینگ (۲۰۰۷) افرادی که اعتقادات مذهبی قویتری دارند، سازگاری بهتری با موقعیت های استرس زا دارند. میزان پایین تری از هیجانات منفی را تجربه می کنند و از حمایت اجتماعی بالاتری برخوردارند که همین امر موجب تقویت روابط زوج ها در زندگی مشترک و کاهش طلاق عاطفی در افراد دارای اعتقادات مذهبی درونی می شود.

همان طوری که در جدول ۳ ارائه شده است، رگرسیون پیش بینی طلاق عاطفی زنان مراجعه کننده به مراکز روانشناختی از روی متغیرهای مهارت های اجتماعی و اعتقادات مذهبی درونی و بیرونی معنی دار می باشد ( $p < 0/0001$  و  $F = 45/21$ ). بنابراین فرضیه چهارم تأیید می گردد.

در تبیین فرضیه چهارم پژوهش در ارتباط با متغیر پیش بین مهارت های اجتماعی در طلاق عاطفی می توان گزارش نمود که مهارت های اجتماعی مؤثر، موجب شکوفایی افراد و بهبود کیفیت روابط می شود. این در حالی است که مهارت های اجتماعی غیر مؤثر جلوی شکوفایی انسان را می گیرد و برای روابط، حکم سم را دارد و حتی روابط را تخریب می کند و می تواند موجبات جدایی عاطفی زوجین را فراهم کند. یکی از جنبه های مهم کنترل، زمان بندی رفتارهای اجتماعی یا به عبارتی متناسب بودن آن ها با موقعیت موجود است. چرا که از نشانه ای بی کفایتی اجتماعی، بیان بی موقع مطالب است (هارجی، ۱۹۹۴). در تبیین رابطه متغیر پیش بین اعتقادات مذهبی با طلاق عاطفی می توان چنین بیان نمود که: افراد دارای مذهب درونی، بهداشت روانی مثبت تری دارند این افراد سلامت روان بالاتری دارند و افراد دارای مذهب بیرونی پیامد های منفی را تجربه می کنند (دوناهو، ۱۹۸۵). افرادی که اعتقادات مذهبی قویتری دارند، سازگاری بهتری با موقعیت های استرس زا دارند. میزان پایین تری از هیجانات منفی را تجربه می کنند و از حمایت اجتماعی بالاتری برخوردارند که همین امر موجب تقویت روابط زوج ها در زندگی مشترک و کاهش طلاق عاطفی در افراد دارای اعتقادات مذهبی درونی می شود.

### منابع

- استرنبرگ، رابرت. (۱۳۸۲). *قصه عشق*. ترجمه بهرامی، تهران: انتشارات جوانه رشد.  
 اولیا، نرگس. (۱۳۸۸). *آموزش غنی سازی زندگی زناشویی*. تهران: نشر دانش.  
 اشرفی، فریفته. (۱۳۸۸). *بررسی جامعه شناختی طلاق عاطفی (مطالعه موردی منطقه ۶ تهران)*. پایان نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران.

- اعزازی، شهلا. (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی خانواده؛ تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- حسینی، داوود. (۱۳۸۹). روابط خانوادگی سالم. قم: انتشارات بوستان کتاب ۱-۶.
- جعفری، عیسی، حاجلو، نادر. و محمدزاده، علی. (۱۳۹۳). رابطه عمل به باورهای دینی و بهزیستی معنوی با سلامت عمومی و شیوه‌های مقابله در سربازان وظیفه. مجله طب نظامی.
- سعیدی مهر، محمد؛ دیوانی، امیر. (۱۳۸۵). معارف اسلامی، چاپ هشتم، تهران: انتشارات معارف. در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی شهرستان اهواز، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.
- ربانی، رسول. و بهشتی، صمد. (۱۳۹۰). بررسی تجربی رابطه دینداری و رضایت از زندگی. مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.
- عطاری، یوسفعلی؛ عباسی سرچشمه، ابوالقاسم؛ مهربانی زاده هنرمند، مهناز. (۱۳۸۵). بررسی روابط ساده و چندگانه نگرش مذهبی، خوش بینی و سبک‌های دلبستگی با رضایت زناشویی در دانشجویان متأهل دانشگاه شهید چمران اهواز، مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره سوم، سال سیزدهم، ۱: ۹۳-۱۱۰.
- عسکری، میترا.، مامی، شهرام. (۱۳۹۳). نقش تمایز یافتگی خود و سبک‌های دلبستگی در پیش بینی طلاق عاطفی. همایش منطقه‌ای آسیب‌شناسی پدیده طلاق شهر سقز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سقز
- کرامتی، محمدرضا؛ ولی‌اله، فرزاد؛ محسن‌پور، بهرام؛ علم‌الهدی، سید حسن. (۱۳۸۵). تأثیر یادگیری از طریق همیاری بر تقویت مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان، تهران: نشریه مددکاری اجتماعی، دوره پنجم، شماره ۳: ۴۹-۷۵.
- کلینکه کریس، ال. (۱۳۸۱). مهارت‌های زندگی. ترجمه ش، محمدخانی، جلد اول، چاپ ششم، تهران: اسپند هنر.
- هارجی، اون.، ساندرز، کریستین.، دیکسون، دیوید. (۱۹۹۴). مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان فردی. ترجمه م، فیروزبخت.، خ، بیگی، چاپ پنجم، تهران: رشد
- هاپس، توماس. (۱۹۷۲). لویاتان. ترجمه ح، بشیریه، تهران: نی
- نجار اصل، صدیقه. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین نگرش مذهبی و سلامت عمومی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی بهبهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.
- نجفولویی، فاطمه. (۱۳۸۵). نقش تمایز خود در روابط زناشویی، اندیشه‌های نوین تربیتی، شماره ۲: ۲۷-۳۷.
- نریمانی، محمد.، ایل بیگی قلعه‌نی، رضا.، ورستی، مریم. (۱۳۹۳). نقش نگرش مذهبی، بهزیستی معنوی و حمایت اجتماعی در پیش‌بینی رضایت از زندگی مادران کودکان کم‌توان ذهنی. نشریه اسلام و سلامت.

- Austin, E. J, saklofske, D. H & Egan, V, 2005. Personality, well-being and health correlates of trait emotional intelligence, personality and individual differences, 38, 547 – 558.
- Bergin, A. E. 1991. Religiosity and mental health. American psychologist, 46 (4), 394 – 403.
- Buss, D. M.; Shacklford, T. D. 2005. How to save a marriage: different gender strategies to save relationship, journal of personality and Social Psychology, Vol. 72, No. 2: 492 – 498.
- Cheayoon, L., & Putnamb, R. D. (2010). Religion, social networks, and life satisfaction, American Sociological Review, 75(6): 914 – 933.
- Clark, A. E., Lelkes, L. (2009). Let us pary: religion interactions in life satisfaction. PSE Working Papers, 4(4): 1-29.
- Fontaine, R. G. 2008. Reactive cognition emotion. Psychology of public Health, 14: 243 – 261.
- Gotman, J. 1994. Why marriage succeed and fail. New York: Firsde.
- Jackson, T; guo, X. G. 2006. Conception of love among couples, journal of cross cultural psychology, 37: 446 – 451.
- Segrin, C. 1992. Specifying the nature social skill deficits associated with depression. Human communication research, 19: 89 – 123.
- Shiota, N; Levenson, W. 2007. Birds of a feather don't always fly farthest: similarity in big five personality predicts more negative marital satisfaction trajectories in long – term marriage. Psychology again, 22: 666 – 675.



## Relationship of Social Skills and Religious Beliefs with Emotional Divorce on Client Women Referring To Ahvaz Psychological Consultant Centers

\*A. Fouji

\*\*F. Naderi

### Abstract

The aim of this study was to investigate the relationship between social skills and religious beliefs with emotional divorce on women who referred to psychological consultant centers in Ahwaz city. The sample subsumed 216 female who were selected by convenience sampling procedure. The research was planned as correlation design. To collect data Guttman Emotional Divorce Scale (1995), Social skills Questionnaire (Matson 1983) and Religious Orientation Questionnaire (Alport 1967) were implemented. To analyze data Pearson correlation coefficient and multi variable regression was applied. The results showed that there was negative significant relation between intrinsic religious orientation and the emotional divorce. There was not any significant relation between social skills and emotional divorce. The results also indicated that there was a significant positive relationship between extrinsic religious orientation and emotional divorce. The multivariate regression analysis showed that intrinsic religious orientation and social skills respectively predicted the emotional divorce in women who referred to psychological consultant centers in Ahwaz city.

**Keywords:** emotional divorce, social skills, religious beliefs.

---

\*1 Department of Psychology, Khouzeestan science and Research Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran

2 Department of Psychology, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran

\*\* Department of Psychology, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran( Email: nmafrah@yahoo.com\ NADERI@iauhvaz.ac.ir )